**باسمه تعالی**

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /ادله اعتبار/ صحیحه زراره

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در استدلال بر استصحاب به صحیحه اول زراره بود که مضمونش بقای حکم سابق تا زمان حصول یقین به خلاف آن است و همان طور که گذشت در هر دو وادی سند و دلالت روایت مباحثی وجود دارد که بحث در سند روایت بود.

## عدم اضرار اضمار به حجیت روایت

همان طور که گذشت در تهذیب و استبصار این روایت به نحود مضمر نقل شده است ولی با وجود مضمره بودن روایت، بیاناتی برای عدم اضرار این اضمار به حجیت روایت وارد شده است، مضافا به این که در برخی کلمات هم این روایت یا بخشی از آن مسند نقل شده است و عجیب این که مرحوم علامه در برخی مواضع این روایت را به نحو مضمر و در برخی مواضع هم به نحو مسند نقل نموده است و عجیب تر این که ایشان در برخی کلمات (منتهی) این روایت را به امام باقر علیه السلام و در برخی کلمات (تذکره) به امام صادق علیه السلام اسناد داده اند، کما این که مرحوم والد نراقی در موضعی این روایت را از امام صادق و در موضع دیگری از امام باقر علیهما السلام نقل نموده است.

این تفاوت در نقل های مختلف باعث شده است تا برخی متاخرین، نسخه تهذیب خود را متفاوت از نسخه متقدمین دانسته اند.

اگر امر روایت بین اضمار و اسناد مردد شود روایت از حجیت ساقط می شود چرا که از موارد اشتباه حجت بلا حجت است، چرا که محتمل است راوی اسناد دهنده به امام از روی حدس همان مضمره را به یک امام اسناد داده باشد، بله اگر دو نقل و دو روایت بود این تفاوت ضرری نداشت.

### وجه نقل از امام صادق علیه السلام

از آن جا که در تهذیب این روایت در ذیل چند روایتی که با قید «بهذا الاسناد» نقل شده است و همه آن ها به امام صادق علیه السلام باز می گردد، لذا این روایت نیز که در ذیل آن ها وارد شده است به امام صادق اسناد داده شده است.

### وجه نقل از امام باقر علیه السلام

از آن جا که بخشی از این روایت در خلاف از امام باقر علیه السلام نقل شده است، برخی این روایت را به امام باقر اسناد داده اند، کما این که ممکن است وجه نقل از حضرت امام باقر هم اذن حضرات به اسناد کلمات خودشان به پدر بزرگوارشان است، که البته این به معنای تجویز کذب نیست و نهایتا به معنای اسناد مذهب و نظر است.

نکته: در کلام مرحوم صدر آمده است: و قد رواها فی العلل عن ابی جعفر علیه السلام، که ظاهرا سهو در قلم است، چرا که مربوط به روایت دوم زراره است و مطمئنا مراد ایشان نقل از علل نیست چون روایت اول در علل وجود ندارد.

اما به هر حال از بسیاری این روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

اگر امر روایت بین اضمار و اسناد باشد، این تردید مضر به حجیت است، چرا که احتمال می دهد که راوی اضمار را حدسا به اسناد بدل می کند و یک روایت را در جایی مضمر و در جایی مسند روایت تهذیب مردد می شود.

بیان آخر: از باب جلالت زراره این روایت مردد بین این دو امام همام است، از طرفی روایتی داریم دال بر این که هر روایتی ما سمعت منی فارو عن ابی، الحدیث اسمعه منک ...البته این روایت در مقام بیان تجویز کذب نیست در اسناد، بلکه تجویز اسناد نظرات هر یک از حضرات به یکدیگر و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

بنابراین تا این جا روایت مردد شد مگر این که کلام مرحوم شیخ در خلاف حل مشکل نماید. ولی اگر روایت بر اضمار باقی ماند نوبت به چند بیان می رسد.

#### وجوه عدم اضرار اضمار به حجیت روایت

##### بیان اول

شخص جلیلی مثل زراره ممکن نیست از کسی نقل کند که قولش برای دیگران حجت نباشد، و نمی توان آن را به زمان سنی بودن او نسبت داد.

##### بیان دوم (مرحوم صدر)

هیچ راوی شیعه ای به طور اضمار روایت را از غیر معصوم نقل نمی کند چرا که ظاهر نقل هر شیعه ای نقل حجت است و لو این که آن روای از اجلا هم نباشد.

##### بیان سوم: شهادت عملی شیخ

مرحوم شیخ این روایت را در کتاب اخبار و احادیث معصومین آورده است و به عنوان حجت نقل نموده است، این شهادت عملی شیخ است به این که این روایت از امام معصوم علیه السلام است، چرا که در عداد اخبار محکی از معصومین قرار داده است، لذا شهادت عملی شیخ به نقل از معصوم است، و از طرفی اصالة الحس اقتضای حمل بر حسیت دارد کما این که در سایر روایاتی که مسندا هم ذکر شده است حمل بر حسیت می شود و این احتمال حدس در سایر نقل های روایات وجود دارد که به آن اعتناء نمی شود.

این بیان، بیان عامی است که در نقل های سماعه و دیگران هم دیده می شود.

اضمار این روایات را هم همان گونه که مجلسی فرموده است ناشی از تقطیع مرحوم شیخ است، کما این که چنین تقطیعاتی در کافی و سایر کتب هم وجود دارد، و این تقطیعات بیش تر ناشی از تبویب روایات و دسترسی آسان و کاربردی کردن آن ها در ابواب مربوطه بوده است.